



کلیما، ایوان، ۱۹۳۱ - م.

Klima, Ivan, 1931

قرن دیوانه من

ایوان کلیما؛ ترجمه فروغ پوریاوری

تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۸

۵۸۲ ص.

شابک: ۷ - ۵۳۰ - ۴۰۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸

عنوان اصلی:

My Crazy Century

داستان‌های چک - قرن ۲۰ م.

پوریاوری، فروغ، ۱۳۳۴ - مترجم.

رده‌بندی کنگره: PG ۵۰۳۹/۲۷

رده‌بندی دیویی: ۸۹۱/۸۶۳۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۸۷۲۲۱



قرن دیوانه من

ایوان کلیما

ترجمه فروغ پوری‌پوری

طراحی جلد: حمید باهو

صفحه‌آرایی: فریدون سامانی‌پور - مریم سایی

مجموعه ادبیات ترجمه

چاپ اول: ۱۳۹۹ / ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: ثالث

چاپ: سازمان چاپ احمدی

صحافی: نوری

شابک: ۷ - ۵۳۰ - ۴۰۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 405 - 530 - 7

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم

فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۴۸

فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت / مجتمع ایران مال / طبقه / شماره ۱۸۳

تلفن گویا: ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۰۲۴۳۷ - ۸۸۳۲۵۳۷۶-۷

سایت اینترنتی: www.salesspublication.com

پست الکترونیکی: info@salesspublication.com

فهرست

۷	پیشگفتار
۹	بخش یکم
۲۳۷	بخش دوم
۴۵۳	مقالات
۴۵۵	جنایتکارهای ایدئولوژیک
۴۶۲	آرمان‌شهرها
۴۷۰	پیروزمندان و شکست‌خوردگان
۴۷۶	حزب
۴۸۴	انقلاب - ترس
۴۹۱	سوءاستفاده از جوان‌ها
۴۹۷	ضرورت باورمندی
۵۰۷	دیکتاتورها و دیکتاتوری
۵۱۷	خیانت روشنفکران
۵۲۳	در باره تبلیغات
۵۳۴	جزم‌اندیشان و متعصب‌ها
۵۴۰	دیکتاتورهای جان به لب آمده و شورشی‌ها
۵۴۸	رؤیایا و واقعیت

۵۵۲.....	زیستن در انقیاد
۵۵۶.....	اشغال، همدستی با دشمن، و بی سروپاهای متفکر
۵۶۲.....	انتقاد از خود
۵۶۸.....	پلیس مخفی
۵۷۷.....	نخبگان

پیشگفتار

ویراستار جدیدی، اهل بانک که برای رادیو بی‌بی‌سی کار می‌کند و گاهی برایش تفسیر می‌نوشتیم، یک‌بار از من پرسید: «چرا به نمی‌نویسید که چرا در جوانی کمونیست بوده‌اید، به نظر من این موضوع برای شنوندگان خیلی جالب است.»

متوجه شدم با این - در آنرم از تجربیات بسیارم به عنوان ماده خام استفاده کرده‌ام، اما به استثنای چند بخش تقریباً خودزندگی‌نامه‌ای رمان محاکمه قاضی^۱ از ذکر عضویت چندین ساله‌ام در حزب کمونیست اجتناب کرده‌ام.

سال‌های سال است که حزب کمونیست - به عبارت دقیق‌تر، جنبش کمونیستی را دسیسه‌ای ننگین علیه دموکراسی می‌دانم و بریم به یاد آوردن این‌که عضو این حزب بوده‌ام، هر چند برای مدتی کوتاه، ناخوشایند است.

اما آیا همکار جوانم در بی‌بی‌سی حرف درستی می‌زند؟ امروز دیگر برای چه کسی جالب است که چرا آن‌همه انسان‌ها همسایه من مغلوب ایدئولوژی‌ی شاید که در تفکر، وضعیت و فضای اجتماعی آغاز قرن نوزدهم و بیستم عمیقاً ریشه دوانده بودند.

مارکسیسم که به ایدئولوژی کمونیستی استناد می‌کرد، امروزه سر از درخته‌های است. تئوری‌های انقلابی مارکسیسم عملاً رد شده‌اند. این روزها تروریسم بر اساس به مراتب بیش از کمونیسم انسان‌ها را تهدید می‌کند: دموکراسی، به جای جنگیدن با کمونیسم، با سازمان‌های اسلامی تندرو در حال مبارزه است.

اما این نه ایدئولوژی، بلکه بیش‌تر نیاز مردم و به خصوص جوانان است که از نظم‌ی اجتماعی که خود پدید نیآورده‌اند و به همین دلیل آن را متعلق به خودشان نمی‌دانند، سرپیچی کنند. علاوه بر این، انسان‌ها نیاز دارند اعتقاد یا آرمانی داشته باشند که آن را والاتر از خودشان بدانند. آن‌ها آمادگی دارند دنیا و تناقض‌هایش را در رابطه‌های نامنتظر و

1. *Judge on Trial*

به ظاهر ساده‌ای ببینند که به نظر می‌آید می‌توانند در باره همه چیزهای مهم، همه آنچه تجربه می‌کنند، و نیز هر آنچه با آن موافق نیستند، توضیح دهند. آن‌ها حتی حاضرند جانشان را فدای این آرمان‌های غالباً فریبنده کنند.

تمام ایدئولوژی‌های گذشته که سرانجام به کشتار منتهی شدند، فقط هنگامی توانستند بسط و توسعه یابند که همه چیزهایی را که به نظرشان نادرست و ناشایست می‌آمد، از وجود مردم پاک کردند و آن‌ها را به وفاداری متعصبانه از ایده‌های خودشان مجبور کردند؛ ایده‌هایی که مدعی درستی و شایستگی بودند. آن‌ها از این بابت هیچ فرقی با ایدئولوژی‌های معاصر که به کشتارهای تروریستی منجر می‌شوند، ندارند.

ملاش من برای شرح و تحلیل اتفاق‌هایی که در زندگی‌ام افتاده، شاید بتواند حتی برای کسانی که کمونیسم را ایده‌ای می‌دانند که دیرگاهی است از میان رفته، بامعنا باشد. در این گزارش عمدتاً روی انواع و احوالی تمرکز خواهم کرد که در این قرن دیوانه غالباً نوع بشر را از راه دور دیده و گاه پیامدهای ویرانگری داشته است.